


Redesigning Livelihood Charity Based on the Jurisprudential Concept of “Ma’una” in Islamic Teachings

✉ **Mustafa Kazemi Najafabadi**  / Associate Professor, Economics Department, Research Institute of Hawzah and University mostafakazemi@rihu.ac.ir

Abbas Ya'ghoobzadeh Mojarrad / PhD Student, Islamic Economics Department, Research Institute of Hawzah and University yaghoobzadeh@rihu.ac.ir

Received: 2024/09/10 - **Accepted:** 2024/10/27

Abstract

The third sector of the economy, along with the public and private sectors, is ranked as an important sector and a major economic force in modern societies. The activities of this sector can be divided into at least ten categories. Using an analytical method, in this article, an attempt has been made to introduce a new type of charity, namely, livelihood charity. Based on the findings of the article, livelihood charity, a non-profit institution originating from religious concepts, can reconstruct and reprocess good and benevolent affairs. Through ijthad method, the nature of livelihood charity and its types of activities can be derived from the concept of “ma’una” in Islamic teachings. Contrary to the initial conception of livelihood charity, which is usually referred to as providing food packages, the scope of livelihood charity encompasses various aspects of minimal life. The livelihood charity system redesigns the three stages of the process of attracting supporters, identifying needy people, and distributing public donations.

Keywords: livelihood charity, ma’una, charity, donation.

JEL classification: Z12, I30, D64.

بازطراحی خیریه معیشتی بر مبنای مفهوم فقهی «مئونه» در آموزه‌های اسلامی*

mostafakazemi@rihu.ac.ir

yaghoobzadeh@rihu.ac.ir

مصطفی کاظمی نجف‌آبادی /  دانشیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

عباس یعقوب‌زاده مجرد / دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶

چکیده

بخش سوم اقتصاد در کنار بخش‌های دولتی و خصوصی، به‌عنوان یک بخش مهم و یک نیروی اقتصادی عمده در جامعه مدرن رتبه‌بندی می‌شود. فعالیت‌های این بخش، حداقل در ده دسته قابل تقسیم است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی تلاش شده است قسم جدیدی از خیریه به‌عنوان خیریه معیشتی معرفی شود. براساس یافته‌های مقاله، خیریه معیشتی به‌عنوان یک نهاد غیرانتفاعی نشئت گرفته از مفاهیم دینی، امکان بازسازی و بازفرآوری امور خیر و احسان را دارد. ماهیت خیریه معیشتی و نوع فعالیت‌های آن را می‌توان از مفهوم «مئونه» در آموزه‌های اسلامی به روش اجتهادی اصطیاد کرد. برخلاف تصور اولیه از خیریه معیشتی که معمولاً از آن به‌عنوان تأمین خوراک و بسته‌های ارزاق یاد می‌شود، گستره خیریه معیشتی، شئون مختلف زندگی حداقلی را دربر می‌گیرد. در نظام خیریه معیشتی، سه مرحله فرایند جذب حمایت‌کنندگان، شناسایی افراد نیازمند و توزیع انفاقات مردمی بازطراحی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خیریه معیشتی، مئونه، خیر، انفاق.

طبقه‌بندی JEL: Z12, I30, D64

*. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «الگوی مطلوب روابط دولت و بخش خیریه معیشتی با رویکرد اقتصاد اسلامی» می‌باشد.

بنا به گزارش مجامع بین‌المللی، نابرابری فزاینده در آمدی تبدیل به چالش اصلی در عصر حاضر شده است. ائتلاف سازمان‌های خیریه و مبارزه با فقر «آکسفام» در گزارش خود در سال ۲۰۲۴م در شهر داووس سوئیس اعلام کرد که پنج فرد ثروتمند برتر جهان از سال ۲۰۲۰م تاکنون بیش از دو برابر سرمایه خود را افزایش داده‌اند؛ در حالی که ۶۰ درصد جمعیت فقیر جهان فقیرتر شده‌اند. این شکاف بزرگ بین ثروتمندان و فقرا احتمالاً همچنان در حال افزایش است و منجر به ایجاد اولین تریلیونر جهان در یک دهه خواهد شد. از سوی دیگر، آکسفام تخمین می‌زند که فقر جهانی تا ۲۳۰ سال دیگر ریشه کن نخواهد شد (آکسفام، ۲۰۲۴م).

اصطلاح بخش سوم اقتصاد (Third sector) یا بخش داوطلبانه (Voluntary sector) و بخش غیرانتفاعی (Non profit) قدمت چندانی ندارد و از دهه هفتاد میلادی به بعد رایج شده است. در کنار بخش خصوصی یا بازار (بخش اول) و بخش عمومی یا دولت (بخش دوم) سازمان‌هایی فعالیت می‌کنند که جزء هیچ‌یک از این دو بخش نیستند؛ اما بسیار برجسته به فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازند و در دهه‌های اخیر حجم بالایی از تولید داخلی بسیاری از کشورها را تشکیل می‌دهند. هریک از بخش‌ها توانایی انجام و مدیریت دسته‌ای از فعالیت‌های اقتصادی را بهتر از بخش‌های دیگر دارند (درخشان و نصراللهی، ۱۳۹۳). بر اساس گزارش سازمان ملل گروه‌های اصلی نهادهای غیرانتفاعی طبق طبقه‌بندی ارائه‌شده عبارت‌اند از: فرهنگ و تفریح، آموزش و پژوهش، سلامتی، خدمات اجتماعی، محیط زیست، توسعه و مسکن، قانون و وکالت و سیاست، امور بشردوستانه، دین، تجارت و حرفه و سایر موارد (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳م).

خیریه معیشتی به‌عنوان یک نهاد غیرانتفاعی که اصول و مبنای آن از مفاهیم دینی نشئت گرفته است، امکان بازسازی و بازفرآوری آن در امور خیر و احسان بر اساس مفهوم فقهی «مؤنه» وجود دارد. بازطراحی خیریه‌های معیشتی با هدف افزایش اثربخشی خیریه‌ها و تأمین نیازهای واقعی انسان‌ها در جامعه اسلامی، خصوصاً در شرایط نامطلوب اقتصادی، می‌تواند جهت عبور از بحران‌های مالی، نقش محوری داشته و ثبات معیشتی را به ارمغان آورد. نهادینه کردن مفاهیمی مانند مؤنه در خیریه‌ها می‌تواند روح تعاون و همیاری را در جامعه تقویت کند و نقش مؤسسات خیریه را به‌عنوان محورهای امداد و یاری مردم افزایش دهد. از طرف دیگر توزیع منابع مالی با تأکید بر تأمین نیازهای اساسی افراد آسیب‌پذیر می‌تواند به عدل و انصاف در تأمین اجتماعی بینجامد و به‌طور مؤثرتری نیازهای واقعی و روزمره افراد و خانوارها را هدف‌گذاری نماید.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی، قسم جدیدی از خیریه به‌عنوان خیریه معیشتی معرفی می‌شود.

پیشینه پژوهش

در خصوص ماهیت خیریه معیشتی تاکنون بحث مستقلی مطرح نشده است، البته قائمی‌اصل و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی تطبیقی مفهوم فقر در فقه امامیه و اقتصاد متعارف معرفی مفهوم غنای کفافی در ادبیات فقه

امامیه»، مفهوم غنای کفافی را به‌عنوان یک جایگزین در ادبیات فقهی برای مفهوم فقر معرفی کرده‌اند. از منظر ایشان فقیر کسی است که توانایی مالی بالفعل یا بالقوه کافی برای تأمین مخارج و هزینه‌های سالیانه زندگی در خور شأن خویش و افراد واجب‌النفعه‌اش را نداشته باشد.

مختاربنده (۱۳۹۹) نیز در مقاله «تبیین نظری خط فقر از دیدگاه اقتصاد اسلامی بر اساس استانداردهای آماری اقتصاد ایران»، در ضمن معرفی خط فقر شرعی بر اساس مؤلفه مؤنّه سال، عنصر استمرار زمانی و معیار الحاق به عموم متوسط مردم، معتقد است حد فقر شرعی معمولاً بالاتر از حد فقر در اقتصاد متعارف می‌باشد.

به نظر می‌رسد گستره معنایی خیریه معیشتی و نوع فعالیت‌های آن را می‌توان از مفهوم «مؤنّه» در مباحث فقهی اصطیاد نمود که در این تحقیق تلاش می‌شود در گام اول ماهیت خیریه معیشتی بر اساس آموزه‌های فقهی معرفی و تبیین گردد. روش مورد استفاده در این گام، روش فقهی - استدلالی است که ادله مورد نیاز ارزیابی می‌گردد. در گام دوم نیز کاربرد مؤنّه فقهی در بخش خیر و انفاق بازسازی می‌شود.

۱. مبنای ماهیت خیریه معیشتی

از آنجایی که خیریه معیشتی به دنبال رفع نیازهای اولیه معیشتی نیازمندان می‌باشد، جهت بازطراحی آن می‌توان از مفهوم «مؤنّه» کمک گرفت؛ چراکه معنای «مؤنّه» نیز به حداقل معیشت افراد اشاره دارد و افرادی که قادر به تهیه «مؤنّه» خود نیستند، از نظر فقهی فقیر قلمداد می‌شوند. با توجه به اینکه مؤنّه در فقه شیعی در موضوع برای احکامی مثل زکات و خمس نقش کلیدی ایفا می‌کند، می‌بایست با شناخت دقیق گستره معنایی «مؤنّه»، ابعاد مختلف حداقل معیشت افراد شناسایی شود تا از طریق خیریه معیشتی به‌عنوان نهادی که به دنبال تأمین حداقل زندگی افراد است، بتوان برای پوشش همه ابعاد آن اقدام نمود.

۱-۱. مفهوم‌شناسی مؤنّه

درباره مفهوم مؤنّه، در کتب لغت برای این واژه چهار ریشه «مأن»، «مون»، «أین» و «أون» را احتمال داده‌اند. بر اساس ریشه «مأن» و «مون»، مؤنّه بر وزن «فَعْلَه» است که معنای قُوت می‌دهد، اما بر اساس ریشه «أین» بر وزن «مَفْعَلَه» به معنای «تعب و شدت» است که فرأ آن را پذیرفته است و بر مبنای «أون» بر وزن «مَفْعَلَه» معنای خورجین می‌دهد که بر پشت اسب می‌گذارند که در اصل به معنای سنگینی بر انسان است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۹۶). ابن منظور در *لسان‌العرب* معتقد است معنای سختی و شدت از ریشه «أین» معنای درستی از این کلمه است، اما با این اصلاح که مؤنّه همان سختی شدید در خرج و انفاق بر عیال و خانواده است. هرچند برخی اشکال دارند که مؤنّه بر ریشه «أین» چنانچه به وزن «مَفْعَلَه» برود، به صورت «مئینه» درمی‌آید، اما باید گفت بنا بر مبنای اخفش در وزن مذکور، همچنان می‌تواند به صورت مؤنّه نیز استعمال گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۹۶). بنابراین مراد از مؤنّه در لغت، سختی و احتیاجات شخص به معیشت است. مراجعه به عرف عصر معصوم^ع در تعیین و تعریف مفاهیمی که موضوع حکم

شرعی قرار گرفته، مورد اتفاق همگان است (علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۷۳)، البته عرفی که متشرع است و اولویت‌های شرعی را مد نظر خود قرار می‌دهد. نکته مهم آن است که کاربرد این واژه در لسان روایات و ادله شرعی نیز برای فهم معنای عرفی مئونه در عصر معصوم^ع راهگشاست. از این رو لازم است برای فهم زوایای معنای این واژه به ادله شرعی مراجعه نمود، البته در برخی موارد نیز قیودی را به حدود مفهومی آن می‌افزاید.

۱-۲. چالش‌ها و سؤالات اساسی در محدوده مفهومی مئونه

بسیاری از فقها مئونه را به خاطر وضوح معنایی آن تعریف نکرده‌اند، ولی برخی دیگر مئونه را به چیزی که انسان به آن نیاز دارد یا آنچه باعث کفایت زندگی انسان می‌شود، تفسیر کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۹۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷۶). طباطبایی یزدی درباره معنای مئونه بر این باور است که مئونه علاوه بر آنچه انسان برای تحصیل سود و درآمد هزینه می‌کند، چیزی است که در زندگی خود و عیالش به تناسب شأن خود به آن محتاج است؛ از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، صدقه دادن، زیارت رفتن، هدیه و جایزه دادن، مهمانی دادن و... به‌طور کلی همه هزینه‌هایی که با اوضاع و شرایط شخص متناسب بوده و تهیه آن سفاقت یا اسراف شمرده نشود (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۹۴). همان‌طور که اشاره گردید از منظر فقهی، فقیر کسی است که قادر به تأمین مئونه‌اش نباشد. از این رو، مفهوم فقر و مئونه در بسیاری از موارد ملازم هم هستند و جهت فهم معنای هریک می‌توان از دیگری کمک گرفت. علی‌رغم بیان معنای لغوی واژه «مئونه» در کتب لغت، همچنان این دغدغه وجود دارد که هنوز ابعاد مختلفی از واژه مئونه و فقر روشن نشده باشد:

۱. افراد چه هنگام و بر اساس چه معیارهایی خود را فقیر می‌دانند؟ در برخی از جوامع و مناطق ممکن است افرادی که صاحب خودرو نیستند، فقیر محسوب شوند، درحالی که در جامعه و منطقه دیگر آنها را صاحب مکتب بدانند. برخی از مردم خود را فقیر می‌دانند، درحالی که بر اساس معیارهای کلی فقیر نیستند.

۲. در چه دوره زمانی باید فقر را تعریف کرد؟ خانواده‌ای ممکن است در یک دوره از زمان فقیر باشد (برای مثال یک‌سال)، درحالی که در سال‌های دیگر فقیر تلقی نشود و یا اینکه ممکن است در یک دوره مورد مطالعه معیارهای سطح زندگی تغییر کند. کدام زمان را باید ملاک بررسی قرار داد؟

۳. واحد بررسی فقرا را باید فرد یا جامعه یا خانوار در نظر گرفت؟ ممکن است دو خانوار که از نظر خط فقر و معیار سنجش فقر در یک سطح قرار دارند دارای توزیع درونی متفاوت باشد. به عبارت دیگر، ممکن است یک خانوار در کل بالای خط فقر باشد، درحالی که فرد یا افرادی درون این خانوار زیر خط فقر باشند. همین مطلب در مورد جامعه نیز صدق می‌کند.

۴. ملاک درآمد است یا هزینه؟ دلایلی وجود دارد که استفاده از درآمد به جای هزینه منجر به نتایج متفاوتی می‌شود؛ زیرا ممکن است گروهی که سطح درآمد فقر را دارند، به دلایلی مانند عادات اجتماعی، دانش ناکافی یا ناقص بودن بازار، قادر به تأمین نیازهای خود در سطح مناسب و بالای فقر نباشند و نتوانند هزینه‌های زندگی را پوشش دهند. از این رو توجه به درآمد صرف، بدون لحاظ هزینه‌ها نتایج متفاوتی را به دنبال خواهد داشت.

۵. دارایی و ثروت چه نقشی در تعیین فقر دارند؟ برای مثال فردی که ملک شخصی دارد، اما درآمد جاری اش به میزانی نیست که مئونه زندگی را پوشش دهد، چه حکمی دارد؟ (پژویان، ۱۳۷۵؛ قائمی اصل و دیگران، ۱۳۹۶). همچنین آیا سرمایه لازم برای وسایل مورد نیاز کسب و کار مانند ابزار بافندگی، آلات کشاورزی و سرمایه لازم برای تجارت، جزء مئونه به شمار می‌رود؟ (استادی، ۱۳۸۵).

۶. عدم قدرت بر تکسب و درآمدزایی ملاک اصلی در فقر است یا نداشتن درآمد بالفعل؟

۷. شمولیت مئونه نسبت به ابعاد مختلف معیشت چیست؟

۸. آیا ادای دیون و پرداخت ضمانات نیز جزء مئونه محسوب می‌شود؟

۳-۱. تحلیل فقهی محدوده مفهومی مئونه

ابهامات و سؤالات مطرح شده حاکی از آن است که علی‌رغم معنایی که در کتب لغت از این واژه شده است، همچنان زوایایی از معنای دقیق آن روشن نیست. استعمالات مختلف واژه مئونه در روایات و بررسی بیان شارع پیرامون آن، قیودات مختلف مفهومی این واژه را آشکار می‌کند.

۳-۱-۱. شأنیت اجتماعی

از مجموعه‌ای از روایات استفاده می‌شود که مراد از مئونه، مقدار احتیاج و نیازی است که لائق به شأن هر شخص می‌باشد، نه حداقلی که قوت لایموت است. مثلاً روایت عبدالله بن سنان می‌فرماید:

زکات گاو، گوسفند و شتر را به افراد متشخص و مسلمانان آبرومند باید داد و زکات طلا، نقره و گیاهان زمین که وزن می‌شوند مثل گندم، جو، مویز و خرما را به فقرایی که وضعیت بدی دارند، می‌دهند. عبدالله بن سنان می‌گوید: محضر مبارک امام ع عرض کردم: چگونه حکم این‌طور تشریح شده است؟ حضرت ع فرمودند برای اینکه آن افراد، اشخاص موجه و نیک‌نام بین مردم هستند، از این‌رو نیکوترین از این دو صدقه را به آنها باید اختصاص داد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۵۰).

در این روایت آمده است که زکات انعام به کسانی داده می‌شود که از نظر وضع اجتماعی شأن بالاتری دارند؛ زیرا آراستگی شخصیتی دارند و از گرفتن پول و طعام در مقابل مردم حیا دارند و لذا اجمل‌الامرین (که زکات انعام است) به آنها داده می‌شود و زکات غلات و درهم و دینار به کسانی که شأن پایین‌تری دارند، داده می‌شود. بنابراین خصوصیات اصناف در مئونه لحاظ می‌شود و تجمل هم موضوعیتی ندارد و مقصود لحاظ مئونه در شأن متعارف هر صنف است و این نظیر شأنی است که در باب نفقه زوجة نیز لحاظ می‌شود و نفقه متعارف زوجهای که از خانواده بالاتری باشد، بالاتر است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰). البته در سند این روایت ابراهیم بن اسحاق و محمد بن سلیمان آمده که هر دو ضعیف هستند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۹ و ۱۸۲). شیخ طوسی کتب ابراهیم بن اسحاق را ممدوح می‌داند و از این حیث با وجود ضعف مطرح شده از سوی رجالین، روایات او قابل اعتماد می‌باشد (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۶). اما محمد بن سلیمان متصف به غلو است و ضعیف شمرده می‌شود (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۸۲). البته روایات صحیح‌السند دیگری با همین مضمون وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۱).

شأن یک محدوده عرفی، عقلی و عقلایی دارد و آن «تناسب معیشت با لیاقت‌ها و استعدادها» است و نباید آن را به امرهای موهومی و طبقاتی سرایت داد. بنابراین برخی از شأن‌های اعتباری که باعث اختلاف طبقاتی شدید در جامعه است، مبنای شرعی ندارد (عسگری و غفورزاده، ۱۳۹۳). احادیث زیادی در این رابطه وارد شده است که به بهانه رعایت شأن نباید اسراف نمود، هر چند خود مالک آنها باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۵۰۰).

بنابراین تمام اموری که مورد نیاز دین و دنیا است، به شرط رعایت شأنیت از جمله مئونه محسوب می‌شود. آیت‌الله خوئی معتقد است قید شأنیت در مورد مایحتاج دنیوی صحیح است، ولی در مورد مایحتاج دینی قابل پذیرش نیست، بلکه هر کسی در امور دینی هر مقداری که مصرف کند جزء مئونه محسوب می‌شود؛ زیرا هر مسلمانی متصدی انجام مستحبات است و از هر مسلمانی خواسته شده که مستحبات را انجام بدهد، چه دارای شأنیت خاص باشد و چه نباشد. مایحتاج دینی به خاطر آن است که افراد به فیوضات الهی بیشتر نائل شوند که از این جهت فرقی بین صاحب شأن و غیرصاحب شأن نیست (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۵، ص ۲۵۳).

در پاسخ به این دیدگاه از احکام خمس که متعلق به مازاد بر مئونه است، می‌توان استفاده نمود که حکم به جواز مصرف مال در مستحبات به خصوص مستحباتی که زیاده از شأن مکلف باشد، موجب تضييع حق ارباب خمس می‌شود. از این رو اگر مازاد بر هزینه‌های متعارف، در مستحبات هزینه‌ای انجام شود که با شأن وی منافات داشته باشد، پرداخت خمس آن لازم است. مجرد اینکه فعل مستحب به خاطر طلب بهشت، شأن هر مسلمانی است، با عرفیت مفهوم مئونه سازگار نیست. نهایتاً در صورت شک در استثنای هزینه همه مستحبات از ادله وجوب خمس، می‌بایست به دلیل عام که وجوب خمس است، مراجعه نمود (اشرفی شاهرودی، ۱۳۹۳). بنابراین مئونه شامل امور مستحب شرعی نیز می‌باشد، ولی با این قید که انجام آن مقدار مستحب نسبت به آن شخص، متعارف باشد.

۲-۳-۱. سالانه بودن مئونه

دیدگاه فقهای پیشین امامیه، فقر را در مقابل دارایی کافی برای تأمین هزینه‌های زندگی قرار می‌دادند، فارغ از اینکه آن را به دوره زمانی یک‌ساله مقید نمایند؛ لذا نظریه عدم کفایت به صورت مطلق و بدون تقیید به زمان در آثار پیشینیان فقیهان امامیه به چشم می‌خورد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۵۶). اما در میان روایات، بهترین روایتی که می‌توان به آن تمسک نمود، روایتی است که شیخ صدوق در *علل الشرایع* آن را ذکر نموده است:

از حضرت ابوالحسن علیه السلام پرسیدم: کسی که قوت یک روز خود را دارد جایز است درخواست دریافت زکات را بکند و نیز به چنین کسی پیش از آنکه درخواست کند اگر زکات داده شود جایز است قبول کند؟ حضرت فرمودند: اگر به وی زکات داده شد، می‌تواند آن را قبول کند؛ اگرچه قوت یک ماه را هم داشته باشد، ولی آن قوت کفاف یک سال او را ندهد؛ زیرا زکات بابت خرجی از سالی تا سال دیگر مستحقین به آنها داده می‌شود (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۷۱).

دلالت این روایت خیلی روشن است که معیار فقیر بودن در جواز اخذ زکات، نداشتن قوت سال است که اگر به آن مقدار رسید غنی می‌شود. بنابراین مئونه که با کلمه «قوت» در روایت اشاره شده است، به‌طور سالانه مد نظر می‌باشد.

در سند روایت، علی بن اسماعیل الدغشی ذکر شده که شخصی مجهول است و توثیقی ندارد، اما بنا بر قاعدهٔ رجالی مشایخ ثلاث، روایاتی که صفوان بن یحیی آنها را نقل کرده باشد، قابل اعتماد است هر چند که علی بن اسماعیل الدغشی فی نفسه توثیق خاصی نداشته باشد.

۳-۳-۱. نفقهٔ خانوار

از منظر فقه، غنی کسی است که علاوه بر تأمین نیازها و هزینه‌های خودش دارایی و تمکن مالی برآوردن نیازها و مخارج افراد واجب‌النفقه‌اش را نیز دارد. به دیگر سخن اگر فردی توانایی مالی تأمین مؤنهٔ زندگی خود و افراد واجب‌النفقه‌اش را در حد کفایت نداشته باشد، از منظر فقه امامیه فقیر تلقی خواهد شد. در روایت معتبرهٔ سماعه، تعبیر «ما یکفیه لفسه و عیاله» به وضوح حاکی از آن است که خانوار شخص نیز جزء مؤنه او محسوب می‌شوند. فقه‌های معاصر در حاشیهٔ خود بر کتاب عروه نقد و حاشیه‌ای به این مطلب ندارند، که حاکی از آن است که این مسئله به طور مسلم مورد قبول فقهاست (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۹۴).

۳-۳-۴. ملاک بودن هزینه‌ها

این پرسش قابل طرح است که متغیر وضعیتی که بر اساس آن افراد فقیر شرعی از غیرفقیر تفکیک می‌شوند؛ یعنی آن متغیری که خط کفاف با استفاده از آن باید تعریف شود، کدام است؟ خط کفاف می‌تواند بر اساس میزان درآمد (جاری یا غیرجاری)، هزینه و یا مصرف افراد تعریف شود. درآمد شامل استقراض نیز می‌شود و بر اساس تعاریف اقتصادی، تفاوت میان هزینه و مصرف نیز در متغیرهایی چون سرمایه‌گذاری و پس‌انداز است. هزینه شامل هزینه‌های سرمایه‌گذاری خانوارها نیز می‌شود؛ اما مصرف فقط بر مواردی چون خرید و استفاده از کالاهای بادوام و بی‌دوام اطلاق می‌شود. با توجه به مباحثی که مطرح گردید، مبنای متغیر «هزینه‌ها» تناسب بیشتری با مؤنه دارد تا مبنای متغیر «درآمد»؛ زیرا همان‌طور که مشخص گردید مفهوم لغوی مؤنه عبارت است از سختی و احتیاجات شخص به معیشت. صریح عبارت فقها در ملاک تشخیص فقر نیز با همین معنا سازگاری دارد. همچنین شأنیت اجتماعی افراد با توجه به هزینه‌های آنان سنجیده می‌شود و درآمد نقش تبعی دارد.

برخی معتقدند فقط هزینه‌های مصرفی خانوار را می‌توان ذیل عنوان «مؤنه» قرار داد (مختاربند، ۱۳۹۹). به نظر می‌رسد این دیدگاه تمام نباشد، بلکه هزینه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری نیز با شرایطی جزء مؤنه محسوب می‌شود. سرمایه‌ای که فرد از سود سالیانهٔ خود گرد آورده و با آن درآمد به‌دست می‌آورد، خود بر دو قسم است: گاهی بود و نبود سرمایه برای فرد مساوی است و در صورت فقدان سرمایه منبع درآمد دیگری برای فرد وجود دارد؛ اما گاهی تنها راه درآمد پیوسته شخص، همین سرمایه است و در صورت پرداخت خمس یا زکات سرمایه، مجبور به مصرف باقی سرمایه شده و منبع انحصاری درآمد خود را از دست خواهد داد. صورت اول بدون شک جزء مؤنه‌های یک فرد نیست، اما در صورت دوم اختلاف زیادی بین فقها وجود دارد (اشرفی شاهرودی، ۱۳۹۳).

اولین کسی که این قسم را مطرح کرده و آن را جزء مئونه‌ها دانسته، محقق قمی است. اصل سرمایه مورد نیازی که انسان در تأمین معیشت خود به آن محتاج باشد و نیاز روزمره او را تأمین کند، از مئونه است (میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۳۱). چنانچه سرمایه‌گذاری جهت امرار معاش ضروری باشد، به‌طور عرفی یک راهی برای تأمین مئونه خواهد بود و از این رو علاوه بر مخارج مصرفی، می‌بایست مخارج مربوط به سرمایه‌گذاری را نیز از جمله موارد مئونه محسوب نمود، مگر آنکه مقدار سرمایه‌گذاری بیش از مقدار لازم برای معیشت فرد باشد.

۵-۳-۱. شمولیت مئونه بر ثروت و ابزارآلات لازم در کسب و کار

جهت پنجم به دنبال این مسئله است که آیا ثروت داخل در مئونه محسوب می‌شود یا خیر؟ مثلاً خانه‌ای که به‌عنوان ثروت خانوادگی اجاره داده شده، چنانچه به فروش برسد و نقد شود، اگر درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری به اندازه مئونه باشد، یقیناً حق استفاده از زکات را نخواهد داشت و همچنین اگر فروش سرمایه به اندازه مئونه نباشد، یقیناً می‌تواند زکات بگیرد، اما اگر فروش آن به اندازه مئونه سال را پوشش می‌دهد، ولی درآمد حاصل از آن فی‌نفسه به اندازه مئونه نباشد، آیا سرمایه با چنین ویژگی جزء مئونه شخص محسوب می‌شود یا خیر؟ همچنین آیا سرمایه و وسایل مورد نیاز برای کسب و تجارت مانند ابزارآلاتی که با آن کار می‌شود، خرید مغازه و سایر آنچه کاسب و تاجر برای کسب و تجارتش لازم دارد، مشمول مئونه می‌باشد؟

طباطبایی یزدی معتقد است این نوع سرمایه جزء مئونه سال محسوب می‌شود و چنین شخصی که سود حاصل از سرمایه‌گذاری اش کمتر از مئونه است، استحقاق دریافت زکات را دارد. از این رو بر چنین شخصی لازم نیست سرمایه‌اش را بفروشد و خرج مئونه کند، بلکه می‌تواند سرمایه را به کار گیرد و مقدار کمبود مئونه را از زکات اخذ نماید (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۰۶). مشهور فقها نیز همین فتوا را دارند. دلیلی که مورد تمسک فقها قرار گرفته، استفاده از اطلاق بعضی از روایات است. به‌طور مثال روایت صحیحۀ معاویة بن وهب می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی که سیصد و یا چهارصد درهم سرمایه دارد و با آن کار می‌کند، ولی نمی‌تواند مخارج خود و خانواده‌اش را تأمین کند. آیا باید کسری هزینه را از سرمایه خود برداشت کند، یا اینکه زکات بگیرد و کسری هزینه را تکمیل کند؟ امام فرمود: نه، بلکه مخارج خودش و برخی اعضای خانواده‌اش را از درآمد شخصی خود اداره کند و مخارج بقیه عائله را از راه زکات تأمین کند؛ و با سرمایه خود، هرچه باشد، به کسب و کار خود بپردازد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۱).

در صدر روایت آمده که شخص مقداری سرمایه دارد، ولی نسبت به اینکه سرمایه به اندازه مئونه سال اوست یا خیر، اطلاق دارد. اگر تفصیلی مطرح بود، امام علیه السلام استفسال می‌کردند که آیا این چهارصد درهم به اندازه مئونه‌اش هست یا خیر؟ خصوصاً اگر بگوییم که در آن زمان معمولاً چهارصد درهم به اندازه مئونه سال بوده است که در این صورت دلالت صدر، بیشتر از اطلاق می‌شود و در ذیل هم امام علیه السلام می‌فرماید: «به سودش نگاه کند» و این هم دلالتی بیش از اطلاق دارد؛ زیرا امام علیه السلام معیار را کفایت سود قرار داده‌اند و گویا ضابطه حکم و مناط آن را بیان کرده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰).

محمدحسن نجفی استثنایی را نسبت به سرمایه مطرح کرده که اگر این باغ، خانه، ابزار یا سرمایه به شکلی است که اگر آن را تبدیل کند، می‌تواند درآمد بیشتری که کفایت مؤنه‌اش می‌کند، داشته باشد و عمداً این کار را نکند و تقصیر یا تبلی در کار دارد، در اینجا دیگر نمی‌تواند زکات بگیرد؛ زیرا چنین شخصی غنی شرعی است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۳۱۰). همچنین کسی که در منطقه تجاری خانه دارد و می‌تواند با آن در منطقه مسکونی خانه‌ای بخرد و مازاد را صرف مؤنه سال کند، عرفاً مالک مؤنه سال می‌باشد، مگر اینکه در فروش آن محذوری باشد و یا تعلق خاص عقلایی در آن موجود باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰).

نسبت به سرمایه تجارت و ابزارآلات کسب‌وکار نیز مدلول برخی روایات در باب خمس؛ مانند صحیحۀ ابراهیم‌بن‌محمد همدانی راهگشاست:

به حضرت ابوالحسن علیه السلام نوشتیم: علی‌بن‌مهزیار نامه پدر شما را برای من خواند که: آنچه واجب است بر باغداران بعد از کسر مخارج، یک دوازدهم است و کسی که عایدی مزرعه و باغش مخارجش را کفاف ندهد، نه یک دوازدهم بر او واجب است و نه چیز دیگر. مردمی که نزد ما هستند در این باره اختلاف دارند و می‌گویند: بر مزارع، خمس بعد از کسر مخارج، یعنی مخارج زراعت و خراج، واجب است و مخارج خود زارع و خانواده‌اش نباید کسر شود. حضرت در جواب نوشتند: بعد از مخارج خانواده و خراج سلطان است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۷).

از این روایت استفاده می‌شود اولاً مؤنه انسان و عیالش با مؤنه ضیعه (یعنی آنچه معاش و زندگی انسان از آن تأمین شود؛ مانند تجارت، صنعت، زراعت و غیر آن) از یک باب هستند؛ یعنی همان‌طور که منظور از مؤنه شخص و عیال، چیزهایی است که وی و همسر و فرزندان در زندگی روزمره به آن نیازمندند، منظور از مؤنه ضیعه، اموری است که ضیعه (وسیله معاش زندگی مثل زراعت) به جهت صلاح و یا اصلاح ضیعه به آنها نیاز دارد؛ ثانیاً مؤنه ضیعه و آنچه در جهت صلاح و اصلاح آن مصرف می‌شود که به آن مؤنه ربح نیز گفته می‌شود، موضوعاً از فایده و سود خارج است؛ بنابراین نیازی به استثنای آن از وجوب خمس نیست. به همین جهت امام علیه السلام در جواب سؤال نوشتند: بعد از کم کردن مؤنه خود و عیالش و نیز بعد از کم کردن مالیات و خراجی که باید به حکومت پرداخت کند، خمس بر صاحب ضیعه واجب است. امام علیه السلام مؤنه ضیعه را جزء مستثنیات خمس ذکر نفرمودند با اینکه در سؤال اصل ضیعه و مؤنه آن ذکر گردید (استادی، ۱۳۸۵).

۳-۱- نقش حرفه و مهارت در تأمین مؤنه

طباطبایی یزدی معتقد است کسی که دارای صنعت یا کسبی است که از طریق آن می‌تواند مؤنه زندگی خانوارش را تأمین نماید، نمی‌تواند زکات بگیرد و همچنین بنا بر احتیاط، شخصی که قادر بر ایجاد کسب‌وکار است، ولی سستی و تبلی می‌کند نیز نباید زکات دریافت کند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۰۰). از این رو کسی که مشغول صنعتی است که مؤنه سال او را تأمین می‌کند، نمی‌تواند زکات اخذ نماید، ولو اینکه بالفعل مالک مالی باشد که به اندازه کفاف مؤنه سال او نباشد. مراد ایشان از کسب، فن تکسب است نه سرمایه بالفعل. افراد قادر بر صنعت و حرفه معمولاً این‌گونه هستند که سرمایه بالفعل ندارند، ولی از طریق به‌کارگیری فن و مهارت خود می‌توانند مؤنه سال خود را تأمین کنند.

کسی که دارای صنعت، هنر و حرفه است و تنها اشتغال و به‌کارگیری لازم دارد، حرفهٔ چنین شخصی مثل داشتن خود سرمایه است که در این صورت، عرفاً به او فقیر گفته نمی‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰). همچنین در روایت تصریح شده است که شخص دارای حرفه، هرچند پنجاه درهم بیشتر نداشته باشد، نمی‌تواند زکات بگیرد. به‌عنوان نمونه ذیل صحیحهٔ ابی‌بصیر که قبلاً نیز ذکر شد، امام ع می‌فرماید: «اگر کسی حرفه یا صنعتی دارد که از آن مئونهٔ سالش را به‌دست می‌آورد، دیگر نمی‌تواند زکات بگیرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۰).

۷-۳-۱. شمولیت مئونه بر ابعاد معیشتی

مئونهٔ زندگی از جمله مفاهیمی است که مصداق آن در هر عصر و روزگار متناسب با نوع زندگی عرفی متغیر است، ولی به‌طور کلی هزینه‌های روزمره یک شخص بر چند دسته است:

دستهٔ اول اموری از قبیل هزینهٔ خوراک و پوشاک و سلامتی و مواردی است که هر فرد برای ادامهٔ حیات و زندگی خود به آنها نیازمند است و تأمین نیاز فرد در گرو مصرف و استهلاک عین آنها می‌باشد. این دسته از هزینه‌ها بدون شک جزء مئونه می‌باشد. محدودهٔ دستهٔ اول دارای وسعت بیشتری است. طباطبایی یزدی مواردی مثل هزینه‌های ازدواج فرزندان، درمان بیماری‌ها، پرداختن صدقه، هدایا، پذیرایی مهمان، حقوق الزامی مثل نذر، کفارات، غرامت و ادای دین را نیز از جمله مئونه می‌داند که به‌طور عرفی جزء مخارج زندگی محسوب می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۹۴).

البته محقق نراقی دایرهٔ بسیار ضیقی برای مئونه تعریف کرده است تا جایی که هدیه و هبه فقط در صورتی که ترک آن موجب ملامت و ذلت باشد، جزء مئونه محاسبه می‌شود. از این رو مئونه در مبنای ایشان فقط بر آنچه در زندگی و معیشت به آن نیاز و ضرورت باشد و یا ترک آن موجب ذلت باشد صدق می‌کند (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۲۷۰). البته به نظر می‌رسد اگر دایرهٔ مئونه چنین محدود باشد، نوع زندگی برای مردم بسیار مشکل می‌شود (اشرفی شاهرودی، ۱۳۹۳).

دستهٔ دوم مواردی است که هر شخص به آنها نیاز شدید دارد، به‌گونه‌ای که عین مال در طول سالیان باقی بوده و منفعت آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، مواردی مثل مسکن یا خودرو، ظروف و فرش و وسایل منزل. بی‌تردید این دسته هم جزء مئونه‌های هر شخص می‌باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۹۵).

یکی از اشکالاتی که بر چنین مئونه‌هایی وارد شده، آن است که گاهی می‌توان بعضی از نیازهای فوق را به‌وسیلهٔ اجاره یا امانت تأمین کرد؛ مثل اینکه به جای خرید مسکن، ماشین یا وسایل زندگی، آنها را اجاره کرد تا نیاز سالیانهٔ وی را برآورده سازد. در جواب این اشکال گفته شده از دیدگاه عرف بین این دو دسته از مئونه فرقی نیست؛ زیرا مئونه از جمله اموری است که زندگی آدمی به آن وابسته است و در عصر کنونی، مالکیت وسایل زندگی و خودرو، امری متعارف است و اجاره و امانت آنها خلاف عرف و عادت مردمان است، به‌گونه‌ای که انتفاعات موقته مثل اجارهٔ فرش یا منزل و غیره، اموری غیرعادی و بدلی اضطراری می‌باشد. بنابراین چنین مواردی از نظر عرف جزء مئونه می‌باشد و اختصاصی به امور استهلاکی و ازبین‌رفتنی ندارد (اشرفی شاهرودی، ۱۳۹۳).

دسته سوم هم سرمایه‌ای است که در عین بقا، مصرف بالفعل ندارد و فقط از درآمد آن استفاده می‌شود که اگر معیشت زندگی به آن متکی باشد، این مورد هم از جمله مؤنه محسوب می‌شود (اشرفی شاهرودی، ۱۳۹۳) که توضیحش گذشت.

۱-۳-۸. پرداخت دیون و ضمانات

همچنین نسبت به پرداخت دیون نیز باید گفت مراد از مؤنه، به حسب متفاهم عرفی، مایحتاج زندگی انسان اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و مانند آن است، نه پولی که بابت تهیه این موارد پرداخت می‌شود؛ بلکه پول وسیله تهیه مؤنه است نه خود مؤنه. مایحتاجی که انسان با قرض تهیه می‌کند نیز جزء مؤنه محسوب شده و از ربح کسر می‌شود و متعلق خمس نخواهد بود؛ بنابراین باید معادل آن دین هم از ربح کسر شود. از این رو هرگاه مخارج زندگی با پول دیگری مثل اربث، قرض و... تأمین شود، معادل آن باید از ربح کسر شود و تمکن از ادا یا عدم تمکن دخالتی در این امر ندارد و چنین تفصیلی در مسئله لازم نیست. آیت‌الله شبیری زنجانی معتقدند:

بنابراین ادای قرض از مخارج متعارف و مؤنه آنان محسوب می‌شود، حال منشأ قرض و دین، چه برای تهیه لوازم و مایحتاج زندگی باشد و چه برای امور دیگری مانند خرید قطعه زمینی که از مایحتاج او نیست. بله، نهایتاً پس از پرداخت دین، از آنجاکه زمین مزبور جزء مؤنه وی نیست، از فاضل مؤنه به‌شمار رفته و مشمول خمس خواهد شد (شبیری زنجانی، ۱۳۷۶).

در مورد ضمانات نیز به نظر می‌رسد باید بین ضمان جنایات و ضمان گرامات قائل به تفصیل شد. ضماناتی که ناشی از حدود شرعی است و به دلیل جنایات و امثال آن جعل شده، ولو مکلف از روی معصیت مرتکب شده باشد، جزء مؤنه هستند اما ضماناتی که شارع مقدس در قبال اتلاف یا تلفی جعل کرده، به‌منزله معاوضه است. اگر آن مالی که تلف یا اتلاف شده به صورتی مصرف شده است که متعلق خمس نبوده، این ضمانی که به جای آن پرداخت می‌شود هم متعلق خمس نیست، اما اگر آن معوض متعلق خمس بوده است، عوض آنکه به‌عنوان ضمان پرداخت می‌شود، متعلق خمس خواهد بود. ضمان گرامتی همانند ادای دیون است که حکم آن نیز به همان صورت خواهد بود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۲۵۰).

۲. تبیین ماهیت خیریه معیشتی

مبتنی بر فعالیت مؤسسه (ICNPO) نهادهای غیرانتفاعی به دسته‌های مختلفی طبقه‌بندی شده‌اند (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳). به‌عنوان نمونه فعالیت‌های مربوط به فرهنگ و هنر، آموزش و پرورش، محیط زیست، و کالت و سیاست، امور بشردوستانه، دین و مذهب و سایر موارد، هر یک دسته‌هایی از فعالیت مؤسسات خیریه شناسایی شده‌اند. در مقابل این موارد می‌توان خیریه معیشتی را نیز اضافه نمود. خیریه معیشتی به‌عنوان یک نهاد غیرانتفاعی که اصول و مبنای آن از مفاهیم دینی نشئت گرفته، امکان بازسازی و بازآفرینی آن در امور خیر و احسان وجود دارد. ماهیت خیریه معیشتی و نوع فعالیت‌های آن را می‌توان از مفهوم «مؤنه» در آموزه‌های اسلامی به روش فقهی - اجتهادی اصطیاد نمود. برخلاف تصور اولیه از خیریه معیشتی که معمولاً از آن به‌عنوان تأمین خوراک و بسته‌های ارزاق یاد می‌شود، گستره خیریه معیشتی شئون مختلف حداقلی زندگی را دربر می‌گیرد. همان‌طور که از مفهوم مؤنه به‌دست آمد، خیریه

معیشتی می‌تواند در تأمین خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، مسکن، خودرو، وسایل لازم زندگی، هزینه ازدواج فرزندان، توانمندسازی و آموزش حرفه و مهارت و اشتغال، تفریحات سالم و زیارات به کار رود. حتی برای خانوارهایی که شغل و مهارتی ندارند، می‌تواند هزینه‌های سرمایه‌گذاری برای امرار معاش افراد را به عهده بگیرد. خیریه معیشتی در واقع می‌بایست شرایط حداقل زندگی متناسب با شأن اجتماعی افراد را تأمین نماید.

در دنیای امروز و با توجه به پیچیدگی‌های اقتصادی و اجتماعی، مفهوم «مئونه» اهمیت بسزایی پیدا کرده است. مئونه به‌طور کلی به مخارج و هزینه‌هایی که فرد برای تأمین معیشت خود و افراد واجب‌النفقة‌اش در نظر می‌گیرد، اطلاق می‌شود، که شامل نیازهای ضروری، هزینه‌های درمان، آموزش، تأمین مسکن و غیره می‌شود. خیریه معیشتی با تمرکز بر تأمین این مئونه برای افراد نیازمند، به دنبال ارتقای سطح زندگی افراد و کاهش فقر در جامعه است. این نوع خیریه به نیازهای جاری و روزمره افراد توجه دارد و بر مبنای نیازهای واقعی جامعه شکل می‌گیرد. با توجه به آنکه در دنیای امروز، مشکلات اقتصادی و اجتماعی نقش مؤثری در بروز مشکلات معیشتی اقشار مختلف جامعه دارند، خیریه‌های معیشتی می‌توانند نقش مهمی در بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی افراد نیازمند ایفا نمایند. نوع فعالیت‌های خیریه معیشتی را بر اساس ابعاد مختلف مئونه می‌توان بازسازی نمود:

۱-۲. تأمین هزینه‌های زندگی و نیازهای اساسی

خیریه معیشتی باید به تأمین هزینه‌های ضروری شامل هزینه‌های خوراک، پوشاک، بهداشت و سایر نیازهای اساسی افراد واجب‌النفقة و خود فرد کمک کند که به‌طور مستقیم بر روی زندگی روزمره افراد تأثیر دارد. خیریه‌های معیشتی به تأمین این نیازهای اساسی کمک می‌کنند و سطح سلامت و رفاه جامعه را تقویت می‌کنند. از جمله می‌توان به تهیه بسته‌های غذایی کامل و مغذی شامل محصولات تازه و کنسروی، غلات و مواد پروتئینی، فراهم کردن لباس‌های مناسب و گرم برای افراد و خانواده‌ها، به‌ویژه در فصول سرد سال اشاره نمود. دسته دیگر نیازهای اساسی به مسکن و وسایل زندگی تعلق دارد. خیریه معیشتی می‌تواند با تأمین مسکن مناسب و وسایل خانگی خصوصاً جهیزیه به زوج‌های جوان کمک کند تا شرایط زندگی خود را بهبود ببخشند و از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کنند. ارائه کمک برای اجاره یا تعمیرات منزل، یا حتی حمایت در ساخت مسکن برای خانواده‌های بی‌خانمان از جمله خدمات خیریه معیشتی خواهد بود. این خیریه می‌بایست شامل تمامی نیازهای مادی و معنوی انسان باشد که حتی سفرهای تفریحی و زیارتی را دربر می‌گیرد؛ چراکه نیازهای معنوی مستحیی نیز جزء مخارج معیشتی محسوب می‌شود.

۲-۲. توجه به اعتبار اجتماعی

خیریه معیشتی می‌بایست توجه ویژه‌ای به شأنیت اجتماعی افراد داشته باشد و بر این اساس، مبالغ و خدمات ارائه‌شده باید متناسب با وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها باشد. نیازمندی‌های اجتماعی مانند سطح درآمد، وضعیت شغلی، تحصیلات، نوع زندگی و شرایط خانوادگی می‌توانند تأثیر زیادی بر تشخیص نیازمندی‌ها داشته باشند.

چه بسا خانواده‌هایی که مدتی طولانی در مناطق برخوردار سکونت داشته‌اند، ولی به دلیل مشکلات مالی دچار آسیب شدند. این افراد به دلیل اعتبار اجتماعی که در آن محله دارند، می‌بایست مورد حمایت قرار گیرند و نباید وضعیت سکونت و آبرو و شأن اجتماعی آنان خدشه‌دار شود. همچنین خدمات باید طوری طراحی شوند که افراد احساس کنند در یک فرایند صحیح و محترمانه مورد حمایت قرار می‌گیرند.

۲-۳. پوشش هزینه‌های کسب و کار

این نوع خیریه معیشتی باید به تأمین هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری مرتبط با زندگی افراد بپردازد، نه فقط به مبالغ درآمدشان. خیریه‌های معیشتی می‌توانند به مواردی مانند تأمین سرمایه یا وسایل لازم برای کسب و کار و تجارت از طریق ارائه تسهیلات مناسب یا تجهیزات لازم برای ایجاد کسب و کار توجه کنند تا افراد بتوانند به‌طور مستقل به تأمین معیشت بپردازند. تأمین حداقل سرمایه برای پوشش درآمد ماهانه و همچنین سرمایه لازم برای تجهیزات و شرایط کسب و کار، یکی از فاخرترین زمینه‌های خیریه معیشتی است که در بخش سوم اقتصاد مورد غفلت قرار گرفته است، در حالی که در آموزه‌های اسلامی این مورد نیز از وظایف حمایت‌گران به‌شمار می‌رود.

۲-۴. توجه به ضمانت‌ها و ادای دیون

کمک‌های خیریه معیشتی می‌توانند شامل پرداخت بدهی‌ها و اقساط قرض‌هایی باشد که برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی گرفته شده‌اند. کمک‌های مالی موقت جهت پرداخت بدهی‌های فوری به منظور جلوگیری از مشکلات جدی‌تر؛ مانند اخراج از منزل یا قطع خدمات نیز در همین راستا تعریف می‌شود. ارائه مشاوره‌های مالی و برنامه‌ریزی برای افرادی که با بدهی‌های زیاد مواجه هستند، به آنها کمک می‌کند تا با مدیریت بهتری، شرایط موجود را سپری کنند. در موارد مرتبط با ضمانت‌ها، خیریه معیشتی باید به تأمین نیازهای زندگی توجه کند و پیمان‌های مالی را که ناشی از اتلاف کالاهای مصرف‌شده باشند، پوشش دهد. همچنین خساراتی که افراد ممکن است به بار بیاورند، باید از طریق خیریه معیشتی جبران گردد و ضمانت‌های فوری را که به مسائل ضروری افراد برمی‌گردد، به عهده بگیرد.

۲-۵. پوشش هزینه‌های پزشکی و درمانی

خیریه معیشتی می‌بایست در زمینه بهداشتی و درمانی نیز حمایت‌های خود را هدایت کند. البته هزینه‌های درمانی نیز جزء مهمی از نیازهای اساسی محسوب می‌شود که به خاطر اهمیت آن مستقلاً ذکر می‌گردد. همکاری با کلینیک‌ها برای ارائه خدمات پزشکی رایگان یا با هزینه کم برای افراد نیازمند از جمله این موارد است؛ مانند درمان‌های پزشکی، مشاوره‌های روان‌شناسی و خدمات پیشگیری. این خدمات می‌تواند به افراد نیازمند دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی را آسان‌تر کند. علاوه بر این، خیریه‌ها می‌توانند برنامه‌های آموزشی در زمینه بهداشت و سلامت را برگزار کنند و افراد جامعه را نسبت به روش‌های پیشگیری از بیماری و زندگی سالم آگاه کنند. این آموزش‌ها می‌تواند شامل تغذیه، بهداشت فردی و ورزش باشد.

۲-۶. حمایت از خودکفایی

خیریه معیشتی برای توانمندسازی خانوارها جهت استقلال معیشتی می‌تواند از فرصت‌هایی استفاده کند که حرفه و مهارت آنان را برای اشتغال فراهم گرداند.

حمایت تحصیلی: اعطای بورسیه‌های تحصیلی یا تهیه لوازم‌التحریر برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت.

آموزش فنی و حرفه‌ای: برگزاری دوره‌های آموزشی برای تقویت مهارت‌های شغلی و فنی به افراد برای پیدا کردن شغل کمک می‌کند.

وارد کردن به بازار کار: ایجاد ارتباط با کارفرمایان محلی برای جذب افراد نیازمند به شغل.

۳. الگوی عملیاتی خیریه معیشتی

با توجه به روشن شدن مفهوم مؤنه، می‌توان از آن برای بازسازی فعالیت خیریه معیشتی بهره گرفت. بر این اساس خیریه معیشتی در فرایند تبلیغ فعالیت‌های خیریه و جذب حمایت‌کنندگان، جمع‌آوری پول یا کمک‌های غیرنقدی، شناسایی افراد یا گروه‌های نیازمند، توزیع پول یا کمک‌های غیرنقدی بین افراد یا گروه‌های نیازمند شناسایی شده، می‌تواند نوع فعالیت خود را بازتعریف نمایند.

از آنجایی که گستره خیریه معیشتی شمولیت زیادی نسبت به ابعاد مختلف زندگی دارد، پیشنهاد می‌شود خیریه معیشتی در قالب یک سازمان ملی، به‌عنوان یک نهاد حکمران بتواند روابط بین خیریه‌هایی را که با اهداف خیریه معیشتی سازگار هستند، تنظیم نماید. در حقیقت سازمان خیریه معیشتی به‌عنوان یک نهاد ملی، مسئولیت تأمین مؤنه خانوارهای نیازمند را به عهده می‌گیرد که می‌بایست ظرفیت خیریه‌های مختلف در امر معیشتی را هدایت، تنظیم و راهبری نماید. تمام خیریه‌های آموزشی، بهداشتی و درمانی، عمرانی ساخت مسکن، مواد غذایی، جهیزیه و سایر خیریه‌هایی که تمام یا بخشی از فعالیت آنها با اهداف خیریه معیشتی هماهنگ هستند، می‌توانند ذیل سازمان خیریه معیشتی قرار بگیرند و به نوعی دارای برند خیریه معیشتی شوند.

تمام خیریه‌هایی که دارای برند خیریه معیشتی باشند، می‌توانند در فرایند جذب حمایت‌کنندگان و جمع‌آوری خیر و انفاق، فرایند شناسایی افراد نیازمند، فرایند توزیع انفاقات مردمی، از حمایت‌های لازم برخوردار باشند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۳-۱. فرایند جذب حمایت‌کنندگان و جمع‌آوری خیر و انفاق

در بخش سوم اقتصاد نیز همانند سایر بخش‌های اقتصادی تعاملاتی وجود دارد که تولیدات و مبادلات کالا و خدمات بر اساس این تعاملات صورت می‌گیرد. در بین بسیاری از این تعاملات مسئله اطلاعات نامتقارن وجود دارد. یکی از مصادیق بارز اطلاعات نامتقارن آن است که علاقه‌مندان به انجام کمک‌های خیریه از محل دقیق صرف این اموال و چگونگی خرج آنها چندان اطلاعاتی ندارند. مثلاً در ایران بسیاری از مردم نمی‌دانند پولی که داخل صندوق‌های صدقات ریخته می‌شود، دقیقاً صرف چه کارهایی می‌شود. از این رو زمانی که کمی ناکارآمدی از سازمان مربوطه

مشاهده شود، گمان خواهند کرد که پول‌هایی که آنها برای کمک‌های نوع‌دوستانه پرداختند، هدر می‌رود و در بروکراسی اداری سازمان‌های بخش سوم تلف می‌شود و بخش بسیار کوچکی از آن صرف نیت آنها می‌شود. هرچند ممکن است در واقع این‌طور نباشد، اما عدم اطلاعات کامل و عدم شفافیت در رفتار سازمان‌های بخش سوم بر انگیزه‌بازیگران بخش سوم آسیب وارد می‌کند و مشکلاتی را در جمع‌آوری وجوهات و تأمین مالی به وجود خواهد آورد (طغیانی و دیگران، ۱۳۹۳). این عدم تقارن اطلاعات بین متولیان وجوهات شرعی زکات و خمس با خیریه‌هایی که برای استفاده از وجوهات به این متولیان مراجعه می‌کنند، نیز وجود دارد.

اولین رهیافت برای حل مشکل کژگزینی و عدم تقارن اطلاعات، استفاده از گزینش می‌باشد. برای گزینش درست سازمان بخش سوم (خیریه‌های) در جهت ارائه کمک‌های نوع‌دوستانه، شاخص‌هایی مثل رسمیت مؤسسه مربوطه و انواع فعالیت‌های آن، کمیّت فعالیت‌ها (تعداد افراد تحت پوشش، گستره ارائه خدمت)، سابقه فعالیت (مدت زمان فعالیت خیریه)، کیفیت ارائه خدمات، شفافیت گزارش شفاف عملکرد و غیره ارائه شده است (طغیانی و دیگران، ۱۳۹۳).

از آنجایی که یکی از موارد مصرف زکات و خمس، فقرا می‌باشند که توانایی تأمین مؤنه زندگی خود را ندارند، یکی از مواردی که می‌تواند رابطه مناسبی بین نهادهای متولی جمع‌آوری زکات و خمس، نقش فعالی داشته باشد و زمینه اعتماد طرفین را فراهم نماید، سازمان خیریه معیشتی خواهد بود. سازمان خیریه معیشتی از آنجایی که وظیفه تأمین مؤنه زندگی افراد نیازمند را به عهده دارد، می‌تواند به‌عنوان یک نهاد رسمی مورد اعتماد برای متولیان زکات و خمس از وجوهات جمع‌آوری شده، نقش واسطه را ایفا نماید و آن را به افراد مستحق برساند. تمام خیریه‌هایی که دارای برند خیریه معیشتی هستند، می‌توانند به‌عنوان بازوان اجرایی مورد اعتماد، وجوهات شرعی زکات و خمس را در محل مصرف لازم آن هزینه نمایند. از آنجایی که خیلی از خیریه‌های موجود در کشور، لزوماً رسالتی برای تأمین مؤنه خانوارها را ندارند و در سایر زمینه‌های اجتماعی، مذهبی، محیط زیست و غیره مشغول فعالیت هستند، برای استفاده از وجوهات شرعی با چالش‌هایی روبه‌رو هستند که در برخی موارد ممکن است متولیان وجوهات شرعی، به جهت نوع مصرف وجوهات مورد تأیید شارع، نتوانند همکاری‌های لازم را داشته باشند. از این‌رو وجود یک واسطه مورد اعتماد بین طرفین جهت مصرف صحیح و به جای وجوهات، می‌تواند جریان وجوهات شرعی در کشور را به‌طور بهینه به گردش درآورد که سازمان خیریه معیشتی با اعطای برند خود به خیریه‌هایی که ذیل اهداف سازمانی فعالیت می‌کنند، می‌تواند نقش این واسطه را ایفا نماید. علاوه بر این کمک‌های مردمی و انفاقات نیز به پشتوانه این اعتماد ملی، می‌تواند این جریان را تقویت نماید.

۳-۲. فرایند شناسایی افراد نیازمند

بر اساس شاخصه‌هایی که در تعریف مؤنه مطرح گردید، خیریه‌هایی که با برند خیریه معیشتی مشغول فعالیت می‌شوند، می‌بایست در تشخیص افراد نیازمند بر اساس ضوابطی که به آنها معرفی می‌شود، فعالیت نمایند. از این‌رو افراد نیازمند بر اساس شاخص‌هایی مثل خانوار بودن (افراد واجب‌التفقه)، شأنیت اجتماعی، سالانه بودن مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری

شناسایی می‌شوند. توضیح آنکه مخارج سالانه نسبت به خانوار باید سنجیده شود، به این صورت که سرپرست خانوار بایستی بتواند تمام افراد واجب‌النفقه خود را تحت پوشش خود قرار دهد، در غیر این صورت مشمول کمک‌های خیریه معیشتی قرار می‌گیرد. هر خانوار هم بر اساس موقعیت منطقه‌ای کلان‌شهری، شهری یا روستایی متناسب با شأن اجتماعی او مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. افرادی که دارای حرفه و مهارت هستند، می‌بایست با در اختیار گرفتن سرمایه و ابزارآلات لازم، نقش مولد داشته باشند و از حمایت خیریه معیشتی مستقل شوند. از این‌رو ملاک سنجش، درآمد تک‌تک افراد نیست؛ بلکه مخارج و هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌ای یک خانوار ملاک ارزیابی و شناسایی نیازمندان قرار می‌گیرد.

۳-۳. فرایند توزیع انفاقات مردمی

انفاقاتی که در خیریه معیشتی صورت می‌گیرد، اساساً برای پوشش هزینه‌های زندگی و جبران آن می‌باشد تا اشخاص بتوانند زندگی اولیه آبرومندانه‌ای داشته باشند. نکته‌ای که در توزیع انفاقات محل بحث فقهی است، آن است که آیا می‌توان به مقدار بیشتر از مؤنه هم به افراد کمک نمود یا خیر؟ البته برای کمک‌های مستحبی و انفاقات مردمی می‌تواند در اختیار شخص خیر باشد، اما در صدقات واجب، محل پرسش واقع شده است.

شهید صدر و محقق حائری معتقدند بر اساس روایت ابی‌بصیر می‌توان انفاقات واجب را تا حدی که به زندگی متوسط مردم برسد، ادامه داد. شهید صدر معتقد است زکات صرفاً برای تأمین نیازهای ضروری فقیر نیست، بلکه برای اعطای مال به مقداری است که در معیشت خود بتواند مثل متوسط افراد جامعه زندگی کند (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۶۷۵؛ حائری، ۱۴۲۴ق، ص ۱۴۵-۱۵۳). محدث حکیمی نیز در تأیید مطلب شهید صدر می‌فرماید: «اسلام، مردمان را به پذیرفتن اصل مساوات، و تلاش برای برقرار کردن سطح معیشتی «مساوی» یا «مقارب» (نزدیک به یکدیگر)، در همه اجتماع فرامی‌خواند، و به پذیرش این اصل و اجرای آن وامی‌دارد» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۲۳۷).

عمده استدلال شهید صدر به تعبیر «یلحقهم بالناس» در روایت ابوبصیر است. ذیل روایت ابی‌بصیر آمده است: «امام صادق علیه السلام فرمود به‌وسیله زکات طعام و خوراک و پوشاک عیالت را توسعه دهد و اگر چیزی از آن باقی ماند، در اختیار دیگران قرار دهد و آنچه از زکات دریافت می‌کند بر عیالش تقسیم کند تا اینکه به مردم ملحق شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۰). البته علاوه بر ضعف سند حدیث (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۱۰۷)، مدلول روایات نیز قابل خدشه است. استظهار از روایت آن است که تعبیر «حتی یلحقهم بالناس» بیانگر خروج فقیر از حالت فقر است؛ نه چیزی بیشتر از آن. مجلسی اول و فیض کاشانی نیز روایت را به معنای خروج از فقر معنا نموده‌اند (مجلسی اول، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۲۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۱۷۰).

بر فرض آنکه این روایت به‌خودی‌خود دلالت بر مطلبی داشته باشد که شهید صدر بیان فرموده است، روایات معارضی دارد که در مقام جمع بین روایت ابوبصیر و سایر روایات باید آن را بر مقدار کفاف زندگی و خروج از فقر معنا نمود. به‌عنوان نمونه از روایات معارض می‌توان به ذیل روایتی تمسک نمود که امام صادق علیه السلام فرمود به میزان مخارج یک‌سال فقیر، باید از زکات پرداخت شود (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۵۲).

همچنین انفاقاتی که از طریق خیریه معیشتی صورت می‌پذیرد، برای ریشه‌کنی فقر قابل محاسبه و ارزیابی است. از آنجایی که خیریه معیشتی، حداقل سطح زندگی افراد را تأمین می‌کند برای ارزیابی مقدار فقر شرعی و کیفیت پوشش آنکه نسبت به شاخص فقر در اقتصاد متعارف سخت‌گیرانه‌تر است (مختاربنده، ۱۳۹۹)، می‌تواند به جمع‌آوری داده‌ها در این زمینه کمک کند.

نتیجه‌گیری

مفهوم مؤنه بر اساس کتب لغوی به معنای سختی و احتیاجات شخص به معیشت است. البته رجوع به ادله شرعی مربوط به مؤنه، تفصیل بیشتری از محدوده مفهومی «مؤنه» را آشکار می‌کند. «مؤنه» را می‌توان به صورت هزینه‌های سالانه مربوط ابعاد معیشتی شخص و افراد واجب‌النفعه، متناسب با شأن اجتماعی خانوار تعریف نمود. هزینه‌هایی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، ابزار کسب‌وکار، پرداخت دیون و ضمانات، صدقه دادن، زیارت رفتن و سایر موارد که به‌طور کلی با اوضاع و شرایط شخص متناسب بوده و تهیه آن سفاقت یا اسراف شمرده نشود. بر همین اساس، ماهیت خیریه معیشتی و نوع فعالیت‌های آن در آموزه‌های اسلامی اصطیاد شده است. خیریه معیشتی با هدف کمک به افراد و خانواده‌های نیازمند در تأمین مایحتاج اولیه زندگی سالانه بر اساس شأن اجتماعی آنان مانند خوراک، پوشاک، مسکن، هزینه‌های درمانی، کمک هزینه‌های تحصیلی، سفر و تفریح نیازمندان فعالیت می‌کنند. از آنجایی که یکی از مصارف زکات و خمس، فقرا می‌باشند که توانایی تأمین مؤنه زندگی خود را ندارند، سازمان خیریه معیشتی می‌تواند نقش مناسبی بین نهادهای متولی جمع‌آوری زکات و خمس داشته باشد و زمینه اعتماد طرفین را فراهم نماید. سازمان خیریه معیشتی با شناسایی افراد نیازمند، می‌تواند به‌عنوان یک نهاد رسمی مورد اعتماد برای متولیان زکات و خمس، نقش واسطه را ایفا نماید و وجوهات جمع‌آوری شده را به افراد مستحق برساند. بر این اساس خیریه معیشتی می‌تواند انفاقات مستحبی خیرین را به مقدار سفارش شده به نیازمندان کمک نماید، اما در مورد انفاقات واجب، فقط به مقداری به نیازمندان پرداخت می‌کند که کفاف مؤنه یک‌سال آنها باشد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بيروت: دار صادر.
- استادی، رضا (۱۳۸۵). مؤنه در خمس. *فقه اهل بیت*، ۱۲ (۴۶)، ۹۳-۱۲۴.
- اشرفی شاهرودی، مصطفی (۱۳۹۳). *درس خارج فقه*.
- پژویان، جمشید (۱۳۷۵). فقر، خط فقر و کاهش فقر. *برنامه و بودجه*، ۱ (۲)، ۵-۲۴.
- حائری، سید کاظم (۱۴۲۴ق). *ولایة الامر فی عصر الغیبة*. قم: مجمع اندیشه اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰). *الحیة*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *موسوعه امام خوئی*. قم: مؤسسه احیای آثار امام خوئی.
- درخشان، مرتضی و نصراللهی، خدیجه (۱۳۹۳). تحلیل اثر توسعه بخش سوم اقتصاد بر شاخص‌های اقتصادی و راهکارهای توسعه آن در ایران. *اقتصاد اسلامی*، ۱۴ (۵۵)، ۶۱-۸۸.
- شیرازی زنجانی، سید موسی (۱۳۷۶). *درس خارج فقه*.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷ق). *اقتصادنا*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). *علل الشرایع*. قم: کتابفروشی داوری.
- _____ (۱۴۰۳ق). *معانی الاخبار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ق). *العروة الوثقی*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طغیانی، مهدی و دیگران (۱۳۹۳). پیشنهاد مدل نظری جهت صیانت از وقف و امور خیریه در بخش سوم اقتصاد با وجود اطلاعات نامتقارن. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۷ (۱۳)، ۱۵۳-۱۸۲.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: المكتبة المرتضوية لآباء الأئمة الجعفریه.
- _____ (۱۴۰۰ق). *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت: دارالکتب العربی.
- _____ (۱۴۲۰ق). *الفهرست*. قم: مکتبه المحقق الطباطبایی.
- عسگری، محمدمهدی و غفورزاده، حسین (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه‌ای شاخص فقر چندبعدی در اسلام و اقتصاد متعارف. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۲ (۱۲)، ۵۳-۸۲.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *فقه و عرف*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امیرالمومنین.
- قائم‌اصل، مهدی و دیگران (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی مفهوم فقر در فقه امامیه و اقتصاد متعارف معرفی مفهوم غنای کفافی در ادبیات فقه امامیه. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۹ (۱۸)، ۵۹-۸۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی (مجلسی اول). محمدتقی (۱۴۱۴ق). *لوازم صاحبقرانی*. قم: اسماعیلیان.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مختاربنده، محمود (۱۳۹۹). تبیین نظری خط فقر از دیدگاه اقتصاد اسلامی بر اساس استانداردهای آماری اقتصاد ایران. *جستارهای اقتصاد ایران*، ۱۷(۳۳)، ۸۵-۵۹.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *المقنعه*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). *غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال نجاشی*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، احمد (۱۴۱۵ق). *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- وبگاه جهانی آکسفام (۲۰۲۴).
- وبگاه سازمان ملل متحد (۲۰۰۳).
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۹۰). *درس خارج فقه*.
- _____ (۱۴۲۵ق). *کتاب الخمس*. قم: دائرة المعارف فقه اسلامی.